

جهیشنی کردن jhyšny krđn

حامد نوروزی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی (۱۳۸۹، ج ۳)، بخش پژوهش‌های لغوی مقاله‌ای با عنوان «جهش» واژه‌ای ناشناخته در شاهنامه: پیشنهادی برای تصحیح دو بیت، نوشته ابوالفضل خطیبی، به چاپ رسید. علاوه بر متونی که خطیبی لغت «جهش» را از آنها استخراج کرده و مورد بررسی قرار داده، در متون فارسی-یهودی^۱ نیز گونه‌های مختلفی از این لغت به کار رفته است که می‌تواند مؤید نظر وی باشد.

در اسفار خمسة لندن در ترجمه הל'ל'ה hš lyh از lhš به معنی «به کامیابی و پیروزی رساندن، خوشبخت کردن» عبارت «جهیشنی کردن» به کار رفته است:

(۱) آشنایی با این حوزه از زبان فارسی را مدیون استاد علی‌اشرف صادقی هستم. ایشان با گشاده‌دستی، منابع منحصر به فرد متون فارسی-یهودی و اطلاعات پرازش خود را در تمام مراحل تحقیق، که این مقاله تنها بخش بسیار کوچکی از آن است، در اختیار نگارنده قرار دادند.

ملاک او اباز تو و جهیشنی کوند راه تو و بستانی زن بپسر من^۲ (اسفار خمسۀ لندن، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۴۰)؛ باشی پرماسا در نیمروزان... و نه جهیشنی کونی ازمر راه‌های تو^۳ (همان، سفر تثئیه، باب ۲۸، آیه ۲۹)؛ اگر هستی تو جهیشنی کونا راه من، آنچ من روا ابران.^۴ (همان، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۴۲).

مایتس در واژگان فارسی- یهودی صورت (j'sny (šwdn, grd'nydn (صحیفۀ دانیال، بخش ۳، آیه ۳۰) را به معنی «کامکار» می‌آورد (Mainz 1977, p. 84). در همین واژگان صورت jyšny bwdn و jhyšny šwdn را نیز از یک دست‌نویس فارسی- یهودی نشان می‌دهد (Ibid, p. 85). وی صورت رایج این واژه را jašn می‌داند (Ibid). در اسفار خمسۀ واتیکان و امثال سلیمان نیز صورت jyšny به جای jhyšny به کار رفته است:

ملاک اوی اباز تو و جیشنی کوند راه تو و بی‌ستانی زن بیوسر من از قبیلست من (اسفار خمسۀ واتیکان، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۴۰)؛ و بی‌آدم امروز این بآن چشمه و گوфتم خودای خالق سید من ابرهیم اگر هستی نون تو جیشنی کونا راه من آنچی من روا ابر آن^۵ (همان، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۴۲)؛ پوشانا جورمها اوی نه جیشنی باشد و اقرار آوورا و رها کونا رحمت کرده آید^۶ (امثال سلیمان، باب ۲۸، جمله ۱۳).

Jahišn در پهلوی به معنی «بخت و اقبال» آمده است. (Mackenzie 1971, p. 46)^۷

(۲) فرشته خداوند همراه توس و راهی را که می‌روی به کامیابی منتهی می‌کند و برای پسر من زن خواهی ستاند.
(۳) در نیمروز (ظهر) مانند انسان‌های کور خواهی بود که با لمس کردن، راه خود را می‌یابند... و راهی را که می‌روی با کامیابی به پایان نخواهی برد.

(۴) اگر تو راه مرا به کامیابی منتهی می‌کنی...

(۵) و امروز به آن چشمه آدم و گفتم ای خدای سید من، ابراهیم، راه مرا به پیروزی منتهی کن.

(۶) کسی که جرم‌هایش را پنهان کند کامیاب نخواهد بود و کسی که به جرم‌هایش اقرار کند، مورد رحمت قرار می‌گیرد.

(۷) در مورد کاربردهای این لغت در متون فارسی - خطیبی ۱۳۸۹، ص ۱۸۴-۱۷۲.

منابع

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، «جهش»، واژه‌ای ناشناخته در شاهنامه: پیشنهادی برای تصحیح دو بیت، فرهنگ‌نویسی، (ویژه‌نامهٔ نامهٔ فرهنگستان)، ج ۳، ص ۱۸۴-۱۷۲.

MACKENZIE, D. N. (1971) *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford University Press, London.

MAINZ, E. (1977), "Vocabulaire judeo-persan, *Studia Iranica*", Tome 6, fascicule 1. pp. 75-97.

—— (1980), "Le Livre des Proverbes en Judeo- Persan", *JA*, tome 268, , pp. 71- 106.

PAPER, H. H. (1972), *A Judeo-Persian Pentateuch, The Text of the oldest Judeo-Persian Pentateuch Translation* , British Museum Ms. Or. 5446, Jerusalem and Leiden.

—— (1965) "The Vatican Judeo- Persian Pentateuch: Genesis", *Acta orientalia*, XXVIII, 3-4, pp. 263-340.

